سوسک‌ها و فرشته‌ها آمدند

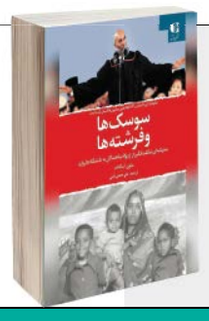

سفرنامه ماوی آسگدام با ترجمه علی حجتی قمی در نشر دانژه منتشر شده است. این کتاب با نام «سوسک‌ها و آدم‌ها» داستانی الهام‌بخش است درباره زندگی آسگدام که از اردوگاه پناهندگان به دانشگاه هاروارد رسید. اپرا وینفری مجری و نویسنده مشهور آمریکایی، آن را یك داستان حیرت‌انگیز توصیف کرده و شیکاگو تریبون و مجله دانشگاه هاروارد هم این کتاب را تحسین کرده‌اند.

گرگ ایرانی در اسکار

پویانمایی «گرگم و گله می‌برم» به کارگردانی امیرهوشنگ معین در فهرست فیلم‌های کوتاه انیمیشن اسکار ۲۰۲۱ قرار گرفت. روابط‌عمومی و امور بین‌الملل کانون خبر داد «گرگم و گله می‌برم» از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با دریافت جایزه کبوتر طلایی بهترین فیلم کوتاه در بخش انیمیشن کوتاه جشنواره لایپزیگ آلمان ۲۰۱۹ و نیز «جایزه هیروشیما ۲۰۲۰» شایسته معرفی به این بخش شد.

حال اجرای حسینی در مقایسه با نمونه‌های سال‌های شته‌اش، پخته‌تر شده و بازی در نقش‌های مختلف و این بلوغ نسبی اجرا نقش داشته، اما همچنان ایراداتی از دست‌ها و نوع نشستن وجود دارد. شاید بخشی از چیدمان صحنه و شکل میز و صندلی مربوط باشد، اما قوز ی روی میز و گره کردن دست‌ها، شکل زیبایی ندارد. به هم ب دست‌ها به‌ویژه در شروع برنامه‌ها هم که نمی‌دانم به ت (استفاده از مایع ضدعفونی کننده؟)، بیش از حد جلب د و نابجا به نظر می‌رسد، موردی که در این مدت دستمایه قرار گرفت. حسینی همچنان به شکل عجیبی، گروه بمرانی طاب می‌کند و آن بندگان خدا هم ظاهرا رویشان نمی‌شود ع کلمه را به مجری و کارگردان برنامه گوشزد کنند.

نی میان ارائه یک متن از قبل نوشته‌شده و گفتار و رفتاری هه، در نوسان است؛ هنوز برخی از کلیشه‌ای‌ترین شکل جریان قدیمی تلویزیون مثل شعرخوانی‌ها و استفاده از ار در او دیده می‌شود. درحالی‌که بهتر است از محورهای طرح مسائل کلی و نچسب فاصله بگیرد و روی مواردی لموس‌تر برای مهمانان و مخاطبان متمرکز شود. در رنامه، بیشتر بحث‌های طرح شده از سمت حسینی، جذابیتی نداشته و نمکی هم اگر بوده از سمت برخی مهمانان مثل بهرام افشاری، پژمان جمشیدی و سام درخشانی و مرضیه برومند بوده‌است.

تلاش حسینی برای نمک و جذابیت هم عمدتا با ناکامی روبه‌رو شده، از جمله تعریف آن خاطره خسرو خسروشاهی و تصادف و صدای آلن دلون که به نچسب‌ترین شکل ممکن طرح می‌شود. با این حال بعضی از بداهه‌هایش هم گل کرد و نشان داد توانایی‌هایی هم در این زمینه دارد، از جمله شوخی با کلمه کرونا در برنامه اول (خارج همه می‌گیرن با لیمو می‌زنن!) و صلوات فرستادن بعد از قطع و وصل شدن نور بالای سرش.

فکر نکنید همه اینها را که گفتیم، دیگر همرفیق را نمی‌بینیم یا با موضعگیری منفی پای برنامه شهاب حسینی می‌نشینیم. نه! ما چرا باید با کسی که در جشنواره‌ای چون کن افتخارآفرینی کرده و جایزه بهترین بازیگر را گرفته (این هم کلیشه‌ای شده که همه مهمانان برنامه مرتب به این جایزه مهم اشاره و تعارف تکه پاره می‌کنند) و نقش‌هایی ماندگار چون احمد (درباره الی)، حجت (جدایی نادر از سیمین)، عماد (فروشنده)، خسرو (برادرم خسرو) و... را به سینمای ایران هدیه داده، بد تاکنیم. ما همان‌هایی هستیم که با همه بدی‌های قباد در «شهرزاد»، دوست داشتیم طرف او را بگیریم و سر به تن مثبت‌ترین شخصیت سریال یعنی فرهاد نباشد. خدا ما را ببخشد.

ودمان هم برخی برنامه‌سازان خیلی تلاش می‌کنند که و از هر ابزاری برای آن استفاده می‌کنند. اما هم‌رفیق با ه‌های قدرت دیگری که دارد از جمله ستاره‌ای مثل شهاب چنین مهمان‌هایی که با مقداری ملاحظه مقابل دوربین آیند و شروطی مثل شروط مالی هم وجود دارد که کمپانی توانسته آنها را تامین کند، موفق شده بدون ابزارهای جای خود را پیدا کند. مساله بسیار بسیار ترسناکی د و آن این‌که هم‌رفیق تاکی و با چه تعداد مهمان دیگر ن شکل موفقیتش را ادامه دهد. این هم پاشنه‌آشیلی طبی مثل من را لااقل کمی نگران می‌کند.

محتوایی برنامه حول موضوع «رفاقت» می‌گردد. به نظر شما ع چقدر برای جلب مخاطب کارایی دارد و چقدر دغدغه فعلی ت؟

سپت هم تا یک جایی جواب می‌دهد و یکی از نگرانی‌های ن است. البته کانسپت می‌توانست هر چیزی باشد و ه برای ما شرقی‌ها و ایرانی‌ها در جایگاه مهمی قرار دارد. در برهه‌ای بعد ایدئولوژیک هم داشته و در دین ما هم وصیه شده و در فرهنگ ما هم موضوعی جاافتاده است شر خاصی هم نیست. رفیق فداکار است، رفیق بی‌کلک مادر است. یعنی ما کاملا از این موضوع عقبه ذهنی داریم. ین‌های سنگین گرفته تا سینمای کشورمان که بخش از فیلم‌هایش حول این موضوع بوده است. بنابراین به سپت کار می‌کند اما مساله این است که تا کجا؟ تا یک کارآمد است، از یک جایی میزبان کار می‌کند، تا یک جایی رف‌ها هم چیزهای خاصی نیستند که به جایی بر بخورند. ست بگوییم آخ! چه حرفی زده شده اما بعد که کامل ه می‌شویم نه، همین حرف‌های معمولی است که در می‌شود. مساله مهم و پاشنه‌آشیل دوم این است که امه‌سازی در کار نمی‌بینم. در واقع از جایی به بعد ما نیاز ده داریم. به نظرم ما یک شهاب حسینی بیشتر نداریم. طور می‌خواهد از شهاب حسینی به‌عنوان یک برند، یک بت کند و عقبه ذهنی را که مخاطب از او دارد به شکلی ر بگیرد و هدر ندهد؟ تا یک جایی تکرار، درست و مفید ایی به بعد آسیب‌زا و مضر هم می‌شود. همان طور که ست که «ذوق‌زدگی» نمی‌بینیم و این را هم باید بگویم عوف شدن از خود هم غلط است و برنامه‌ساز نباید فکر رچه ما داریم خوب است و همین است که هست». این ها دیده‌ایم که برای برنامه‌ها ویرانگر بوده است.

ارشناسان اجرای شهاب حسینی را خصوصا با توجه به سابقه تلویزیونی او، ضعیف می‌دانند. فکر می‌کنید این ضعف به توانایی‌های او برمی‌گردد یا نویسندگی و سایر مولفه‌های برنامه‌سازی؟

مساله همان برنامه‌سازی است. بخشی از ماجرا طبیعتا سلیقه است و من هم شخصا از تماشای شهاب حسینی، حرف زدنش و شکل مراوده‌اش لذت می‌برم و البته درک می‌کنم اگر کسی دوست نداشته باشد. اما بعضی جاها می‌بینم مثلا درباره تکان‌های زیاد دست حسینی یا تپق‌ها و فقدان تمرکزها حین گفتن پلاتوها حرف می‌زنند. اما مگر شهاب حسینی ادعا کرده که مجری است؟ به نظرم شهاب حسینی اینجا فقط میزبان است و در این برنامه هم با عقبه بازیگری‌اش به عنوان فردی که ستاره‌ای است که البته فیلم‌های خوب و بدیی هم دارد، ظاهر شده است. بنابراین تکان دادن دست و تند صحبت کردن و مسائلی از این دست، معیارهای درستی برای قضاوت در این مورد نیستند. او می‌تواند گفت‌وگو را تمیز و شسته‌رفته جلو ببرد، ادا در نیاورد و حتی ادای خودش را هم در نیاورد، البته جاهایی هم کاستی‌هایی می‌بینم که سلیقه‌ای است اما سلیقه را خیلی نباید در قضاوت تخصصی مبنا قرار داد. این برنامه نمونه‌های زیاد خارجی و داخلی داشته و شهاب حسینی هم توانسته گفت‌وگوها را صمیمانه و محترمانه جلو ببرد. استفاده از ستاره به خودی خود، نه سازنده تمام قدرت یک برنامه است و نه زیر سوال برنده همه توانایی آن و همان‌طور که گفتم نقطه‌ضعف اتفاقا بیشتر این است که برنامه چطور از این چهره مراقبت خواهد کرد و موفقیت را توسعه خواهد داد.

چقدر از ظرفیت سایر مولفه‌های برنامه‌سازی مثل دکور یا همین موسیقی زنده درست استفاده شده‌است؟

دکور برای این کار نسبتا خوب است. آیا به نمونه‌های فرنگی شباهت دارد؟ بله اغلب لیت‌نایت‌ها از نمای عمومی شهر در شب استفاده می‌کنند. میزانسن آدم‌ها در صحنه در موقعیت بصری درست هم رعایت شده‌است. تقطیع، تقطیع بسیار خوبی است و در کارگردانی تلویزیونی، ری‌اکشن‌های افراد به‌درستی در جای خود گرفته‌شده و از چیزی جا نمی‌ماند و به خاطر تنظیم ضرباهنگ، کارگردانی هول نشده‌است. نورپردازی، جاهایی ضعف دارد. موسیقی زنده کاملا درست و به اندازه استفاده شده چون در خیلی موارد می‌بینیم صدای گروه موسیقی به‌درستی شنیده نمی‌شود یا جای آن در صحنه مناسب نیست و مخاطب درکی از آن ندارد و دخالت کم یا بیش از اندازه در زمینه گفت‌وگو می‌کند. اینها آسیب‌هایی است که هم‌رفیق دچارش نشده و انتخاب «بمرانی» هم بسیار عالی است. البته درست است که دوستان من هستند (می‌خندد) ولی واقعا هم کارشان خوب است و در خندوانه یک هم همین گروه بودند که ما را در گوشه‌ای از صحنه همراهی می‌کردند. یک شوی تلویزیونی ابزارهایش همین‌هاست و واقعا چیز بیشتری نیست و باید از همین‌ها درست استفاده کند. نگرانی من هم صرفا همین است که آیا برای بعد از این هم فکری شده و این اندازه موفقیت قابل استمرار خواهد بود یا نه؟

اما به طور کلی باید بگویم همه ما فعلا در شرایط روحی و روانی بسیار عجیبی در این دوره به سر می‌بریم و نیاز داریم از همه ظرفیت‌ها به درستی استفاده شود. مدیاهای جدید با دیگر رسانه‌های قدیمی‌تر رقیب نیستند و بنا نیست به هر قیمت همدیگر را بزنیم یا بی‌جهت از هم تعریف کنیم؛ بلکه باید کمک‌حال همدیگر باشیم. ما نمونه‌های ناموفق زیادی در همه رسانه‌ها داشته‌ایم و باید کمک کنیم خوراک خوب و سرگرم‌کننده خصوصا در شرایط فعلی به دست مخاطبش برسد.

تاک‌شوهای موفق جهان را بهتر بشناسیم

برای شناخت و تحلیل بهتر برنامه هم‌رفیق و برنامه‌هایی از این دست، یکی از بهترین راه‌ها، آشنایی با نمونه‌های موفق خارجی برنامه مورد نظر است؛ چرا که بسیاری از برنامه‌های این‌چنینی از طرفی نمونه مشابه خارجی دارند که بسیاری از بخش‌های برنامه و المان‌های مختلف آن، صرفا تقلیدی یا اقتباسی از همین نمونه‌های مشابه خارجی است. فایده دیگر بررسی نمونه‌های خارجی آن است که به‌علت بالا بودن کیفیت در نمونه‌های خارجی می‌توان با مقایسه نمونه داخلی با آن، عیار برنامه داخلی را سنجید و میزان فاصله آن تا نمونه معیار را بررسی کرد. به‌منظور آشنایی با برنامه‌های مشابه هم‌رفیق در فضای جهان، ابتدا باید ببینیم اساسا تعریف برنامه‌های این‌چنینی در اصول برنامه‌سازی چیست و باید در کدام دسته یا گروه به‌دنبال نمونه‌های مشابه هم‌رفیق جست‌وجو کرد؟

تاک‌شو یا برنامه گفت‌وگومحور

بهترین عنوان برگردانده برای عنوان «تاک‌شو» احتمالا باید «برنامه گفت‌وگومحور» باشد. تاک‌شو عبارت است از برنامه‌ای که در آن یک مجری با یک مهمان - که خود در حوزه خاصی صاحب‌نظر است - گفت‌وگو می‌کند. در واقع اساس این «شو»، گفت‌وگوست. دلیل جذابیت تاک‌شوها در فضای جهانی چند مورد است؛ اول این‌که برنامه‌های گفت‌وگومحور غالبا زنده است و از این‌رو احتمال هر پرسشی از سمت مجری و هر پاسخی از طرف مهمان در آنها می‌رود. همین غیرمنتظره بودن، بار جذابیت برنامه را تا حد بسیاری بالا می‌برد.

دومین علت جذابیت برنامه‌های گفت‌وگومحور، این است که باتوجه به جذابیتی که از آن سخن به میان آمد، میزان درگیری مخاطب - فاکتوری که برنامه‌سازان خارجی از آن به عنوان engagement یاد می‌کنند - در این برنامه‌ها بسیار بالاست. مخاطب با هر سوال خود را به جای سوال‌شونده می‌گذارد و حتی هنگام تماشای برنامه در ذهن خویش به بسیاری از این سوالات پاسخ نیز می‌دهد.

در برنامه‌های تاک‌شو علاوه بر این‌که مجری باید مسلط، باسواد و برای مخاطبان شناخته شده باشد، می‌بایست نزد تماشاگران مقبولیت و محبوبیت قابل‌قبولی هم داشته باشد. در کنار مجری، اعتبار یک برنامه تاک‌شو به مهمانانی است که در آن حضور دارند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم تاک‌شوهای موفق جهان و حتی ایران، این است که در طول برنامه بخش‌هایی متناسب با موضوع برنامه و حتی استندآپ کمدی یا تعامل با مخاطبان در دستور کار قرار می‌گیرد تا هم گفت‌وگو برای مهمانان و تماشاگران خسته‌کننده نباشد و هم علاقه‌مندان بتوانند به‌صورت زنده ارتباط خود را با برنامه حفظ کنند. با نمونه‌هایی از برنامه‌های گفت‌وگومحور موفق در جهان آشنا خواهیم شد.

آخر وقت با دیوید لترمن

دیوید لترمن از مشهورترین چهره‌های کمدی تلویزیون آمریکاست. این چهره مشهور در طول ۳۳ سال فعالیتش ۶۰۲۸ برنامه اجرا کرد. او در این مدت نامزد ۶۷ جایزه تلویزیونی امی شد. لترمن به‌واسطه توانمندی‌هایش در استندآپ کمدی، به‌خصوص کمدی سیاسی، برنامه تاک‌شو متفاوتی را تهیه و کارگردانی کرد که حاصل کارش یکی از جذاب‌ترین تاک‌شوهای تاریخ تلویزیون آمریکا شد؛ به‌گونه‌ای که در مدت زمان اجرای این شو نزدیک به ۲۰ بار برنده جایزه امی شد! او این برنامه را از سال ۱۹۹۳ در شبکه سی‌بی‌اس آغاز کرد و تا سال ۲۰۱۵ اجرای آن را برعهده داشت. لترمن پس از پخش آخرین قسمت از شوی شبانه‌اش اعلام بازنشستگی کرد و استفان کولبرت جای او را در این برنامه گرفت.

لری کینگ لایو

لری کینگ از دهه ۱۹۷۰ با برنامه رادیویی «شوی لری کینگ» به شهرت رسید. این برنامه از ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۴ ادامه داشت. از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۰ وی میزبان برنامه «لری‌کینگ لایو» از شبکه سی‌ان‌ان بود. گفته شده وی بیش از ۴۰ هزار مصاحبه رادیویی یا تلویزیونی انجام داده است. این پیرمرد دوست‌داشتنی و برنامه‌اش، یکی از پراسترس‌ترین برنامه‌ها برای سلبریتی‌ها و سیاسیون بود. لری کینگ به‌دلیل تسلط عجیب و غریبش روی اجرا و حتی مهمان برنامه، یک گفت‌وگوی چالشی و جذاب را با مهمانانش به نمایش می‌گذاشت و همین امر سبب شد نزدیک به ۱۲ سال محبوب‌ترین برنامه تاک‌شو را روی آنتن ببرد.

الن شو

الن شو از جمله پرطرفدارترین برنامه‌های گفت‌وگومحور در جهان است که به علت دعوت از شخصیت‌های معروفی که در ایران نیز طرفدارانی دارند، در کشور ما نیز مخاطب خوبی به‌دست آورده است.

برنامه گفت‌وگو محور «امشب با جیمی فالن»

برنامه «الن شو» را می‌توان موفق‌ترین برنامه تاک‌شو با موضوع طنز و سرگرمی در دنیا دانست که توسط یک زن اجرا می‌شود. الن دی جنرس، مجری این برنامه با توانمندی‌های خود در این برنامه، سلبریتی‌های جهان را با شوخی و استندآپ کمدی به چالش می‌کشد و همیشه گفت‌وگوهایی متفاوت با آنها به نمایش می‌گذارد. این مجری ۵۸ ساله که کار خود را با استندآپ کمدی در کافه‌ها شروع کرده، از سال ۲۰۰۳ شوی اختصاصی خود را آغاز کرده و در حال حاضر صفحه اینستاگرامش حدود ۴۰ میلیون دنبال‌کننده دارد. برنامه الن همیشه در مسیر پیشرفت و بهبود بوده؛ جوایزی که درو کرده مانند ۳۶ جایزه امی و میلیون‌ها مخاطبی که پای برنامه تقریبا نیم‌ساعته خود می‌کشاند، دلیلی بر این ادعاست. برنامه الن، سایت کامل و جامعی هم دارد که از طریق آن نیز مخاطب را با خود همراه می‌کند. در این سایت یادداشتی وجود دارد که در آن نوشته: «مکان خود را وارد کنید تا به شما بگوییم چه زمانی می‌توانید برنامه الن را به صورت زنده تماشا کنید!» و همین گویای این است که دنیای الن خیلی بزرگ‌تر از آمریکاست.

جیمی کیمل لایو

جیمی کیمل لایو یکی از برنامه‌های آخرشبی آمریکایی است که از شبکه ای‌بی‌سی با اجرای جیمی کیمل پخش می‌شود. دو نویسنده در کنار هم محتوای برنامه‌ای را می‌سازند که تنها یک هدف دارد: «خنداندن مخاطب». این برنامه جزو سرگرم‌کننده‌ترین برنامه‌های آخرشبی آمریکایی شناخته شده است. البته این برنامه که از سال ۲۰۰۳ یعنی همزمان با برنامه الن‌شو آغاز به کار کرده، تاکنون تغییرات بسیار زیادی داشته؛ از تغییر در شوخی‌های داخل برنامه گرفته تا صحنه و مکانی که برنامه در آن اجرا می‌شود. اما هدف هنوز همان سرگرمی و خنداندن مخاطب است. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های برنامه جیمی، بخشی است که دوربینی در خیابان حرکت می‌کند و از عابرهای پیاده در بلوار هالیوود پرسش‌های دروغ در مورد رویدادها و خبرهای واقعی می‌پرسد. اغلب کسانی که سوال را می‌شنوند، آن را باور می‌کنند. این شیوه پرسش از عابرپیاده به‌گونه‌های دیگری نیز انجام می‌شود و یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این برنامه را ساخته است. البته برنامه جیمی از آنجا که یک ساعت هرچیزی را به‌سخره می‌گیرد، تاکنون حواشی بسیار زیادی داشته است اما هنوز زنده مانده است. هرچند برخلاف نامش به صورت زنده پخش نمی‌شود.

امشب با جیمی فالن

برنامه امشب با اجرای جیمی فالن یک برنامه گفت‌وگوی آخر شب از شبکه ان‌بی‌سی و با اجرای جیمی فالن است. پخش این برنامه تلویزیونی از ۱۷ فوریه ۲۰۱۴ شروع شد و محصول شرکت برادوی ویدئوتلویزیون یونیورسال است که هرشب ساعت ۱۱ و ۳۴ دقیقه پخش آن شروع می‌شود. این برنامه در شصت‌وششمین جوایز امی ساعات پربیننده، نامزد پنج جایزه شد که در این میان موفق به کسب جایزه امی هنرهای خلاق شد. برخی اجرای رامبد جوان در برنامه خندوانه را با اجرای فالن مقایسه می‌کنند و همراهی با تماشاگران، خنده‌های اغراق شده و شلوغ‌کاری‌های مجری خندوانه را الگوبرداری از سبک اجرای این کمدین مشهور می‌دانند.

بسیاری از لحظات جذاب برنامه فالن روزانه دست به دست میان کاربران شبکه‌های مجازی می‌چرخد. در این برنامه شبانه، بازی‌های جذابی مثل «لیپ سینک بتل» یا همان لب‌آهنگ خودمان طراحی شده که آنقدر مورد استقبال قرار گرفته که به برنامه‌ای مستقل تبدیل شده است. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های برنامه فالن بخشی است که او و مهمانانش با گریم‌های جالب، ادای شخصیت‌های مشهور و به‌ویژه سیاستمداران را درمی‌آورند. ویدئوی تقلید فالن از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نزدیک به چهار میلیون بار در یوتیوب مشاهده شده است.

ضمایر [او]

مجسمه باید اصولی باشد

جعفر نجیبی که سردیس سردار را ساخته از ساخت سردیس‌های شهری می‌گوید

جعفر نجیبی که ساخت سردیس‌هایی از جلال آل‌احمد، محمد معین، شمس تبریزی، حافظ، کمال‌الدین بهزاد، دهخدا، شهید نجات‌اللهی و تختی را در کارنامه دارد، به‌تازگی سردیسی از سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی ساخته است. ایسنا با او گفت‌وگویی کرده و نجیبی در این گفت‌وگو، هم درباره اثر جدیدش حرف زده هم درمورد ساخت مجسمه‌های شهری.

درباره سردیس شهید سلیمانی، توضیحات نجیبی به این شرح است: هفت روز پس از شهادت سردار، سازمان فرهنگی هنری شهرداری از من خواست ساخت این مجسمه را به صورت کارگاه در فرهنگسرای بهاران انجام دهم. وقتی برای انجام پروژه رفتم، امکانات لازم فراهم نشده بود، ولی با این حال مقداری گچ تهیه کردند که حدود یک ماه در خانه روی آن کار کردم. پس از تأیید، اثر تبدیل به فایبرگلاس شد که در نهایت آن را به فرهنگسرای سلیمانی تحویل دادم و همان‌جا نصب شد.

او در ادامه، درباره علت بدساخت بودن برخی سردیس‌ها می‌گوید: گاهی در برگزاری سمپوزیوم‌های شهری برای ساخت آثاری از مشاهیر یا مفاخر، از هنرمندان جوانی دعوت می‌شود که تازه فارغ‌التحصیل شده و آغاز به کار کرده‌اند و همانند افرادی که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرده‌اند، تجربه ندارند. به همین دلیل، هنرمندانی که کارشان دارای امضاست و پیشکسوت هستند سعی می‌کنند خودشان را وارد این فضاها نکنند.

مسؤولان زیباسازی شهرداری‌ها هنوز متوجه نیستند از کدام هنرمند باید دعوت به کار کنند. نباید کار هنری را به مناقصه گذاشت و با قیمت پایین به انجام رساند. هر کاری قیمتی دارد. این هنرمند با بیان این‌که «گاهی برخی از آثار شهری به جای زیبا ساختن شهر، آن را زشت می‌کنند»، توضیح داد: لازم است سازمان زیباسازی شهری یا سازمان فرهنگی - هنری شهرداری، جلساتی را با حضور استادان برگزار کند و سفارش آثار را تحت نظارت آنها انجام دهد. وقتی قصد سفارش یک سردیس یا پرتره را دارند باید دو سه ماه به هنرمند زمان دهند تا تحقیق و مطالعه کند و هزینه این مدت را نیز برای هنرمند در نظر بگیرند. انجمن مجسمه‌سازان باید با هنرمندان جلساتی برگزار کند تا برای آثار سفارشی نسبت به سطح هنرمند قیمت‌گذاری کنند. آثار شهری نباید لزوما زیبا باشند، ولی کار بدساخت و ضعیف شهر را زشت می‌کند. کار مدرن و خشن با اثر بدساخت متفاوت است، چون اثر مدرن می‌تواند بیانگر حس هنرمند باشد و بر اساس مبانی و اصول هنرهای تجسمی ساخته می‌شود. خود من هم کارهایی خشن و اسطوره‌ای دارم اما آنها را اصولی ساخته‌ام. نجیبی معتقد است اگر قرار باشد سمپوزیوم‌ها به درستی برگزار شوند، باید پیش از آغاز، با هنرمندانی که در این زمینه تجربه بیشتری دارند جلسه‌ای برگزار و سطح برگزاری رویداد سنجیده شود.

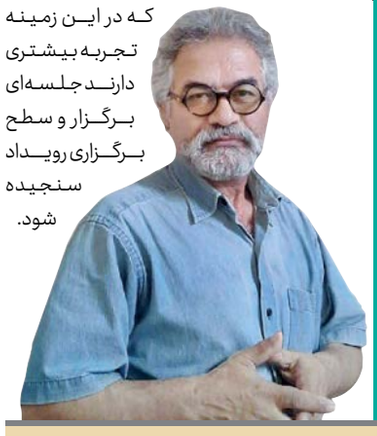

نقش و رنگ [تجسمی]

مسابقه طراحی نشان «سرباز» ویژه شهید سلیمانی

طراحی نشان «سرباز» همزمان با نخستین سالگرد شهادت سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی به مسابقه گذاشته شد. معاونت هنری سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران در فراخوان این مسابقه که به مناسبت نخستین سالگرد شهادت سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی منتشر شده از طراحان و هنرمندان برای طراحی نشان «سرباز» دعوت کرده است.

داوری این مسابقه را طراحانی همچون مسعود نجابتی، حسن موسی‌زاده و محمدرضا دوست‌محمدی بر عهده دارند. اثر ارسالی باید الهام‌گرفته از فرهنگ ایرانی- اسلامی و معرف ایثار، عظمت و ازخودگذشتگی شهید حاج‌قاسم سلیمانی باشد. ساده، جذاب و خوانا باشد. می‌تواند به‌صورت نوشتاری، تصویری یا ترکیبی طراحی شود. باید در ابعاد کوچک و بزرگ، زیبایی، خوانایی و تناسب ظاهری و مفهومی خود را از دست ندهد. اثر ارسالی باید به‌صورت رنگی یا تک‌رنگ قابل استفاده باشد. نشان باید قابلیت و ظرفیت تبدیل به حجم را نیز داشته باشد. نشان طراحی‌شده نباید با سایر نشان‌ها و نمادهای ثبت‌شده ایرانی و خارجی شباهت داشته باشد. تمامی حقوق استفاده از نشان برگزیده و ۲۰ نشان انتخابی متعلق به سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران خواهد بود. ارسال اثر برای دبیرخانه به منزله پذیرش قواعد و قوانین شرکت در مسابقه طراحی نشان «سرباز» خواهد بود.

جوایز و برگزیدگان: نشان «سرباز» سال‌های آتی به نویسندگان، هنرمندان و فعالان حوزه هنر مقاومت، ایثار و شهادت اهدا می‌شود. به اثر برگزیده نهایی مسابقه، جایزه نقدی به مبلغ ۱۵۰ میلیون ریال اهدا خواهد شد و ۲۰ اثر شایسته تقدیر، مبلغ پنج میلیون ریال به همراه لوح سپاس دریافت خواهند کرد.

۲۰ اثر انتخابی به همراه تک‌اثر برگزیده در یکی از نگارخانه‌های سازمان فرهنگی- هنری به نمایش درخواهند آمد. علاقه‌مندان تا ۲۲ بهمن‌ماه فرصت دارند آثار خود را به دبیرخانه مسابقه ارسال کنند. زمان اعلام نتایج ۶ اسفندماه و زمان برگزاری نمایشگاه و اهدای جوایز ۲۰ اسفندماه خواهد بود.

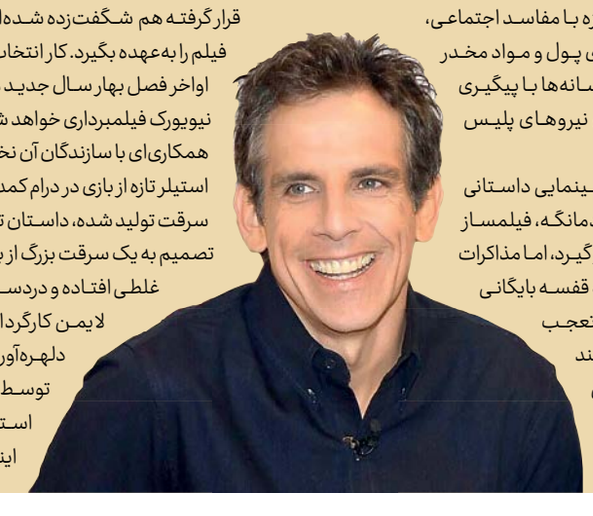

بارزه با مفاسد اجتماعی، یادی پول و مواد مخدر و رسانه‌ها با پیگیری یان نیروهای پلیس

ه سینمایی داستانی ان دمانگه، فیلمساز قرار گیرد، اما مذاکرات را به قفسه بایگانی راز تعجب توانند یل که یلر

قرار گرفته هم شگفت‌زده شده‌اند. بعید به نظر می‌رسد خود استیلر نقش اصلی فیلم را به‌عهده بگیرد. کار انتخاب بازیگران فیلم شروع شده و کلید فیلمبرداری آن، اواخر فصل بهار سال جدید میلادی زده می‌شود. کل صحنه‌های فیلم در شهر نیویورک فیلمبرداری خواهد شد و اداره پلیس این شهر اعلام کرده کوچک‌ترین همکاری‌ای با سازندگان آن نخواهد کرد!

استیلر تازه از بازی در درام کمدی «قرنطینه» فارغ شده است. این فیلم که در گونه سرقت تولید شده، داستان تعدادی آدم ناجور را تعریف می‌کند که در دوران کرونا تصمیم به یک سرقت بزرگ از بانک مرکزی شهر می‌گیرند. اما سرقت آنها در مسیر غلطی افتاده و دردسرهایی برای سارقان به وجود می‌آورد. فیلم را داگ لایمن کارگردانی کرده که در کارنامه‌اش اکشن افشاگرانه و دلهره‌آور «هویت بورن» با بازی مت دیمون را دارد. قرنطینه توسط شبکه اچ‌بی‌او تهیه شده و قرار است به صورت استریم پخش شود، اما هنوز زمانی برای پخش زنده و اینترنتی آن تعیین نشده است.